



جایگاه و عملکرد کلونی‌ها و پولیس‌ها در نظام اقتصادی سلوکی

I میلاد جعفری گاوزن

II حمیدرضا پاشازانوس

III مجید منتظرظهوری

نوع مقاله: پژوهشی؛ صص: ۹۶ - ۸۳
تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۲/۲۰؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۴/۲۹
شناسه دیجیتال (DOI): 10.30699/PJAS.4.13.83

چکیده

گسترده‌ی قلمرو سلوکیان در شرق و نیاز آن به تسلط بر اتباع ایرانی، منجر به ایجاد پایگاه‌های حامی خود با مجبور ساختن اتباع یونانی-مقدونی به مهاجرت در درون سرزمین‌های شرقی شد. ساخت زنجیرگونه کلونی‌ها در طول مسیرهای تجاری شرق و عملکرد سیاسی-اقتصادی آن‌ها سبب استحکام حکومت سلوکی و دوام بیشتر آن نسبت به حکومت اسکندر مقدونی شد. وجود کلونی‌های هلنیستی در آسیای مرکزی سبب شد تا جمعیت انبوهی از مهاجران یونانی-مقدونی به سوی این منطقه گسیل شوند که خود پنجره جدیدی به روی تجارت شرق به غرب باز کرد. مقاله حاضر، بر آن است تا با تکیه بر داده‌های باستان‌شناختی و متون تاریخی و به روش توصیفی-تحلیلی، نخست به روشن ساختن ماهیت شهرسازی سلوکیان و تفاوت کلونی‌ها و پولیس‌ها بپردازد؛ سپس علل ساخت و کاربرد کلونی‌ها در آسیای مرکزی و فلات ایران را شرح دهد. از آنجا که تمرکز پژوهش‌های گذشته بیشتر به نحوه ساخت و تجدیدنمای شهرهای سلوکی در سوریه و آسیای صغیر بوده است. پژوهش حاضر، سعی دارد تا بر این پرسش اصلی تمرکز کند که، هدف سلوکیان در ساخت کلونی‌ها و شهرهای مختلف چه بوده است؟ فرضیه تحقیق آن است که سلوکیان علاوه بر استفاده نظامی از این شهرها، به استفاده اقتصادی از آن‌ها نیز می‌اندیشیدند؛ چراکه جایگاه این کلونی‌ها که بعدها به شهرهای بزرگ تبدیل شدند، در طول جاده‌های تجاری شرق بوده است که خود بر نقش اقتصادی آن‌ها افزوده است.

کلیدواژگان: سلوکیان، قلمرو، شهرسازی، پولیس، کلونی.

I. دانشجوی کارشناسی ارشد ایران باستان، گروه تاریخ و ایران‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران (نویسنده مسئول).
miladjef@yahoo.com

II. استادیار گروه تاریخ و ایران‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.

III. استادیار گروه باستان‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

مقدمه

سلوکیان در دوره حکومت خود بر گستره وسیعی از سرزمین‌های متمدن شرق باستان حکومت می‌کردند و در گسترده‌ترین حالت مرزهای مابین سیحون تا حدود سوریه را ذیل سلطه خود داشتند. آن‌ها برای تسلط بیشتر بر سرزمین‌های مفتوحه و برای ایجاد پایگاه‌های مردمی حامی خود در این سرزمین‌ها، دست به ایجاد کلونی‌ها و پولیس‌هایی زدند تا پایه‌های قدرت خود را در سرزمین‌هایی که پیش از این متعلق به هخامنشیان بوده، مستحکم سازند. تفکر کلونی‌سازی و ایجاد پادگان‌ها، میراث اسکندر مقدونی در طول زمان فتوحات وی بوده که وارد ساختار نظامی و اجتماعی سرزمین‌های مفتوحه شده است. ورود مهاجران یونانی-مقدونی بر پهنه بین‌النهرین و شرق باستان نقطه عطفی در فرهنگ و تمدن هلنیسم در دوره حیات آن بود؛ به نحوی که مرکز ثقل پایگاه‌های هلنیسم از غرب دنیای باستان به پهنه شرقی منتقل شده و تا آخرین روزهای حیات امپراتوری‌های هلنیستی در سوریه و مصر امروزی، تلاش وسیعی برای زنده ماندن و ادامه حیات خود انجام داده است؛ با این حال، تهاجم ازسوی شاهنشاهی اشکانی و جمهوری رُم و درگیری‌های درون‌خاندانی سبب از بین رفتن امپراتوری‌های هلنیستی در شرق باستان شد. با وجود این آثار تمدنی، این امپراتوری‌ها تا قرن‌ها به حیات سیاسی و اجتماعی خود ادامه دادند و در برخی از برهه‌ها نقش کلیدی در تاریخ برای خود به ثبت رساندند. حضور فعال پولیس‌ها در به قدرت رسیدن یا خلع شاهنشاهان اشکانی، تابعیت یا عدم اطاعت از سرداران در درگیری‌های داخلی رُم، این نکته را به یاد می‌آورد که گرچه امپراتوری‌های هلنیستی به تاریخ پیوسته بودند، اما آثار تمدنی آنان همچنان باقی مانده و همواره ادامه حیات می‌دادند. ساخت کلونی‌ها و پولیس‌ها و سپس حیات آن‌ها در زمان‌های بعد مهم‌ترین میراث سلوکیان در شرق بود؛ از این رو پژوهش حاضر بر آن است تا نخست، ماهیت کلونی‌ها و پولیس‌ها را روشن سازد

پرسش‌های پژوهش: پرسش‌های پژوهش عبارتند از: سیاست کلونی‌سازی و شهرسازی (پولیس) در امپراتوری سلوکی براساس برنامه خاصی انجام می‌شده است یا خیر؟ حیات اقتصادی شهرهای غیرهلنی در دوره سلوکی چگونه بود؟ آیا جاده خراسان، خط سیری مشخص برای ایجاد کلونی‌ها بوده است؟ آیا محل قرارگیری کلونی‌ها و پولیس‌ها نقشی در ایجاد جاده‌های تجاری در دوره‌های بعدی ایفا کرده است؟

روش پژوهش: مقاله حاضر به روش توصیفی-تحلیلی سعی در پاسخ‌گویی به پرسش‌های مطرح شده و تبیین جایگاه کلونی‌ها در ساختار اقتصادی و سیاسی سلوکیان را دارد.

پیشینه پژوهش

یکی از مهم‌ترین گام‌ها برای درک جغرافیای سیاسی سلوکیان را «تارن» (Tarn, 2010) برداشت. تارن در فصل اول کتاب خود یونانیان در باختر و هند به بررسی تقسیمات ساتراپی‌های سلوکیان بر مبنای متون کلاسیک باقی مانده از جمله «آپیان» (تاریخ رُم)، (Appian, 2009) می‌پردازد. وی در این بخش از کتاب خود با مقایسه ساتراپی‌های هخامنشی با حدود و ثغور ساتراپی‌های سلوکی، سعی در توجیه وجود ۷۲ ساتراپی در حکومت سلوکی می‌کند؛ با این حال، وی اهمیت چندانی به موضوع کلونی‌سازی در ساختار قدرت سلوکیان نمی‌دهد. پیش از این «کوهن» (Cohen, 2013) در کتاب سکونتگاه‌های هلنیستی در شرق از ارمنستان و بین‌النهرین تا باختر و هند به طور جامع به شرح کلونی‌های سلوکی پرداخته بود، اما توجه کوهن معطوف به بخش غربی امپراتوری سلوکی بوده و توجه چندانی به کلونی‌های شرقی نداشته است. «کورت» و «شروین‌وایت» (Sherwin-White & Kuhurt, 1993) در کتاب خود با عنوان: «از سمرقند تا سارد: رویکرد جدیدی به امپراتوری سلوکی در فصلی از کتاب خود به چگونگی ساخت پولیس‌ها و کلونی‌ها می‌پردازند؛ اما کورت و

شروین‌وایت بیشتر تمرکز خود را توجه به عوامل سیاسی و موضوعات سیاسی در دوره حکومت سلوکیان معطوف کرده بودند و این موضوع سبب شد ویژگی‌های اقتصادی در بنای پولیس‌ها و بازسازی شهرها و کلونی‌ها را در نظر نگیرند. در ادامه، «فریزر» (Fraser, 1996) در کتاب خود موسوم به شهرهای اسکندر کبیر به شرح اسکندریه‌هایی که اسکندر مقدونی در آسیای میانه و ایران ساخته بود، می‌پردازد؛ وی با بررسی دقیق تمامی منابع در بخش انتهایی کتاب خود اسامی پولیس‌ها و کلونی‌های که در منابع یاد شده‌اند را در جدولی شرح داده است، اما فریزر نیز با در اولویت قراردادن شهرها، کلونی‌ها را چندان که باید مورد بررسی قرار نداد. «اپرگیس» (Aperghis, 2004) نیز در اثر خود، اقتصاد سلطنتی سلوکیان: امور مالی و مدیریت مالی امپراتوری سلوکی شرحی از حیات اقتصادی سلوکیان ارائه داده است و توجه ویژه‌ای به کلونی‌ها و وظایف اقتصادی آنان داشته است؛ وی با استفاده از مدارک به دست آمده، سعی داشته تا ظرفیت‌های اقتصادی حکومت سلوکی را بیان کند. با این وجود، بدون تحلیل این اسناد و حتی بدون ترجمه برخی دیگر از آن‌ها، عملاً نتوانست از این اسناد به طور مناسب استفاده کند.

علاوه بر آثار بالا در سال‌های اخیر چند اثر مهم نیز در باب کلونی‌ها نوشته شده است؛ از جمله «استروتمن» (Strootman, 2011) نیز در اثر خویش به نام پادشاهان و شهرها در عصر هلنیستی به ویژگی‌های پولیس و کلونی‌ها در تمدن هلنیستی پرداخت؛ وی در این مقاله سعی دارد تا نشان دهد که شاهان سلوکی برای افزایش قدرت خود در مناطق تحت تملکشان دست به ساخت کلونی و پولیس می‌زدند و از مهاجرت افرادی از آسیای صغیر یا یونان به داخل فلات ایران سعی در ایجاد پایگاه‌های وفادار به حکومت داشتند. «کاسمین» (Kosmin, 2014) نیز در فصلی از کتاب سرزمین شاهان فیل به شرح کاملی از سیاست‌های کلونی‌سازی و پولیس‌سازی در حکومت سلوکی با استفاده از منابع مکتوب و شواهد باستان‌شناسی پرداخته است؛ وی در کتاب خود با رویکرد جدیدی نسبت به دوره سلوکی نگریسته و سعی کرده تا در تمامی ابعاد ساختاری حکومت سلوکی نگاهی بیندازد. واپسین اثری که به ساختار سلوکیان پرداخته اثر «بوهم» (Boehm, 2018) موسوم به شهر و امپراتوری در عصر جانشینان: شهرنشینی و واکنش اجتماعی در ساختار پادشاهی هلنیستی است؛ بوهم در کتاب خود با تکیه بر منابع به بررسی جایگاه شهرها و فرآیند شهرسازی در عصر سلوکی می‌پردازد، اما بوهم معیار قراردادن تاریخ سیاسی و تکرار وقایع سیاسی توجه چندانی به تحولات اقتصادی به خصوص در حکومت سلوکی ندارد. همان‌طور که ذکر شد، تمام آثار ذکر شده به ساختار حکومت سلوکیان و کلونی‌سازی‌های آن‌ها پرداخته‌اند؛ اما همچنان اهداف سلوکیان در ساخت کلونی‌ها در شرق ایران و آسیای مرکزی و جایگاه آن‌ها در اقتصاد سلوکی بی‌پاسخ مانده است.

تقسیمات کشوری و تأثیر آن بر تأسیس مهاجرنشین‌ها

پس از نابودی شاهنشاهی هخامنشی به دست اسکندر، وی تغییرات خاصی را در ساختار ساتراپی‌های تحت حکومت خود ایجاد نکرد؛ هرچند در برخی از ساتراپی‌ها، همچون ساتراپی‌های شرقی، شاهد کاهش قلمرو (نسبت به حدودی که در کتیبه بیستون داشتند) و در نتیجه افزایش تعداد آن‌ها بودند (Tarn, 2010: 4-5)؛ با این حال، نمی‌توان این موضوع را نادیده گرفت که اسکندر به این تقسیم‌بندی‌های نو برای تحکیم پایه‌های حکومت متزلزل خود نیاز داشت؛ در حالی که امپراتوری اسکندر را می‌توان میراث‌دار ساختار اداری حکومت هخامنشیان دانست (Fleischer, 1991: 2-4). یکی دیگر از ابداعات اسکندر ساخت پادگان‌ها در جوار شهرهای بزرگ و مناطق راهبردی برای حفظ آن ناحیه بود (Fraser, 1996: 170-190)؛ هرچند شاید بتوان ساخت پادگان‌ها را الگوبرداری از نظام پادگان‌سازی هخامنشیان دانست و شاید به ظاهر هدف اولیه اسکندر تنها نظارت نظامی مناطق

متصرفه بود، اما پس از چندی با اسکان مهاجران و دادن اقطاع به ایشان جهت تثبیت مهاجرت ایشان (Kreissig, 1978: 40-46) معلوم می‌شود که وی علاوه بر سیاست نظارت نظامی مناطق در پس پرده این تدابیر آمیختگی شرق و غرب را در نظر داشت (Smith, 1988: 20-21).

بدین ترتیب می‌توان اظهار داشت که اسکندر در کلونی‌سازی‌های اولیه (حداقل در سرزمین‌های شرق شاهنشاهی هخامنشی) به دنبال منافع اقتصادی صرف نبوده و هدف وی بیشتر ایجاد امنیت و اهداف نظامی بوده است (Olbrycht, 2004: 128-148). باتوجه به این مطلب، طرح اولیه کلونی‌سازی در ذهن مهاجمان یونانی-مقدونی را می‌توان نظارت مرزها و ایجاد کمربند نظامی در طول کشور از نیروهای معتمد دانست. در کنار این موضوع، ساخت پایگاه‌هایی با مردمان وفادار، یکی دیگر از انگیزه‌های اسکندر و بعدها سلوکیان برای ایجاد کلونی‌ها بود (Koester, 1995: 44). در طی لشکرکشی اسکندر به شرق، گزارش‌های مورخان به نبردهای متعددی در «پرتو» و «باختر» و پس از آن در جنوب و هند اشاره می‌کنند. برخوردهای متعدد در این مناطق سبب شد تا اسکندر چاره کار برای حفظ این مناطق را در تأسیس کلونی‌ها و یا پادگان‌ها بداند.

در منابع اشاراتی به نخستین شهرسازی‌های اسکندر در مناطق شرقی ایران شده است (Justinin, 12.5.13: 1994)، اما تا چه حد این شهرسازی‌ها در واقع ساخت یک شهر بود و نه بازسازی آن، جای بحث دارد. فقدان جمعیت کافی و صرف زمان و هزینه زیاد برای ساخت یک شهر از جمله دلایلی است که نمی‌توان تمامی اسکندریه‌ها را شهر دانست. باتوجه به زمان محدود اسکندر و حضور جمعیت نظامی در لشکرکشی‌های وی، می‌توان به این پاسخ رسید که اکثر اسکندریه‌ها، پادگان‌های بازمانده از دوران هخامنشیان بودند (Tuplin, 1987: 130-135). همچنین اشاراتی به برگزاری المپیادهایی^۲ در طول زمان لشکرکشی وجود دارد که نشان از این دارد که اسکندر در این زمان در مناطقی که دست به بازسازی یا بنای شهر می‌زد، همانند سنت یونانی دست به تأسیس ژیمناسیون (Gymnasiums) و سایر بناهای تمدن هلنیستی می‌زد (Koester, 1995: 75) که خود نشان از تلاش وی برای نهادینه کردن فرهنگ هلنیستی در شرق دارد.

شهرهایی که اسکندر در شرق ایران بنیان نهاد پس از وی اکثراً حیات سیاسی و اجتماعی خود را از دست دادند (Fraser, 1996: 40-50)؛ با این حال، توجه به این نکته ضروری است که لزوم پایه‌گذاری و رونق یک شهر در گروهی حمایت مستقیم و بی‌چون و چرای حکومت است، همانند شهر انطاکیه در پارس (Antioch in Persis) که حمایت پادشاهان اولیه سلوکی منجر به شکوفایی آن شد (Potts, 2016: 329). موضوعی که در تاریخ سلوکیان به کرات دیده می‌شود، این است که هنگامی که سیاست شاهان سلوکی بر اسکان مهاجران بنا شده، منابع حاکی از تأسیس کلونی‌ها، افزایش مهاجران و ارتقاع برخی کلونی‌ها و شهرهای غیرهلنی به پولیس‌ها هستند (Marfoe, 1978: 623-624)، اما افول قدرت سلوکیان و درگیری این پادشاهان در مناطق غربی سرزمینشان هم‌زمان می‌شود با از دست رفتن کلونی‌های که در دوره قبلی ساخته بودند. تأکید بر این نکته ضروری است که کلونی‌های اولیه همان پادگان‌هایی بودند که در دوره اسکندر مقدونی بنا شده بودند، اما سیاست سلوکیان کمی متفاوت با اسکندر بود. هدف اسکندر از ساخت کلونی‌ها صرفاً جنبه نظامی آن بود. اما سلوکیان با حفظ ساختار پادگانی کلونی‌ها، در درون کلونی‌ها دست به ساخت محل‌های زندگی همچون روستاها و شهرک‌ها زدند. در واقع، سیاست شهرسازی و کلونی‌سازی سلوکیان را باید از بطن پادگان‌سازی دوره‌های پیشین مستخرج دانست؛ بدین ترتیب که پادگان‌ها نه تنها مکانی برای اسکان سربازان، بلکه محلی برای زندگی مهاجران بوده است (Leriche, 1987: 61).

هرچند به یقیناً می‌دانیم که ساکنان اولیه این پادگان‌ها سربازان یونانی-مقدونی هستند، اما در دوره سلوکیان باتوجه به اسناد به دست آمده (که به سیاست مهاجرتی این امپراتوری از سرزمین‌های آسیای صغیر به مرزهای شرقی ارتباط دارند)، این موضوع آشکار می‌شود که افراد

مهاجر وظیفه دوگانه «سرباز-شهروند» را به عهده داشتند. مفهوم سرباز-شهروند را باید نوعی وابستگی سیاسی-اقتصادی به حکومت دانست (Briant, 1978: 61). همان‌طور که اشاره شد با روبه ضعف نهادن حکومت سلوکی حیات کلونی‌ها در سرزمین‌های شرقی ایران به مخاطره افتاد و به تدریج حیات کلونی‌ها در پهنه شرقی و مرکزی سیر نزولی یافت، یکی از مهم‌ترین دلایل آن، عدم تأمین جمعیت مورد نیازشان بود که همچون خونی تازه در پیکر پولیس‌ها و کلونی‌ها بودند. درباره ساختار معماری کلونی‌ها شاید بتوان با توجه به نوع معماری «هیپوداموس»^۲ (Hippodamus) در پولیس‌ها آن را در مقیاس کوچک‌تر، یعنی به کلونی‌ها نیز تعمیم داد (Koester, 1995: 73-74).

آغاز هلنیسم در ایران شرقی

با آغاز پیکارهای سلوکوس و فتح سرزمین‌های گسترده‌ای میان سیحون و ماوراء فرات، وی با گستره وسیعی از اقوام گوناگون در پهنه قلمرو خود روبه‌رو شد و دست به اصلاحاتی در ساختار حکومتی و جغرافیای سیاسی-اداری ساتراپی‌های پیشین هخامنشی زد؛ وی با الهام از اسکندریه‌سازی‌های اسکندر مقدونی (هرچند بسیاری از این اسکندریه‌ها پادگان‌های نظامی بودند و نه شهرهای جدید) و ساخت شهرها و کلونی‌های جدید،^۳ سعی در ایجاد ساختار جدید اجتماعی در ساتراپی‌های تحت سلطه خود کرد (Engels, 2017: 174-177). برای شناخت زمینه‌های ساخت کلونی‌ها و پولیس‌ها توسط شاهان سلوکی، ابتدا می‌بایست به نحوه شکل‌گیری این تفکر در زمان اسکندر پرداخت.

میراث اسکندر پس از ۱۰ سال لشکرکشی علاوه بر یک امپراتوری ناهمگون گسترده، فرهنگ هلنیسم در شرق باستان بود. اسکندر دست به ابتکار جدیدی برای حفظ ممالک متصرفه خود زد، وی با ایجاد پادگان‌هایی در جوار شهرهای مهم تاحدی از فروپاشی حکومت نوپای خود جلوگیری کرد (Olbrycht, 2004: 97-98, 108-118). این عمل خود تقلیدی از سیاست نظارت بر قلمرو هخامنشیان بوده است (Briant, 2002: 422-471). شهرهای پدیدآمده در عصر کوتاه اسکندر مقدونی و آنگاه دوره طولانی سلوکیان حائز اهمیتی بسیار بودند. لشکرکشی مقدونیان به شرق نیازمند تأسیس پایگاه‌هایی برای فاتحان جدید بود. به همین علت برای اسکان مهاجران جدید بر آن شدند تا مکان‌های مناسبی به صورت پادگان احداث گردد (پیگولوسکایا، ۱۳۸۸: ۳۴). این پادگان‌ها بعداً پایه‌ای برای پولیس‌ها و کلونی‌های دوره جانشینان اسکندر شدند. اهمیت راهبردی پادگان‌های نوپا به گونه‌ای بود که باتوجه به گزارش‌های پلوتارک مبنی بر تأسیس ۷۰ اسکندریه، باید آن‌ها را همچون کمربندی برای استوار کردن فتوحات و همچنین تأمین امنیت راه‌ها در سرزمین‌های شرقی دانست (Behrend, 1973: 150-151).

در میان این اسکندریه‌های کوچک می‌توان چند شهر را نام برد که بنا یا بازسازی آن‌ها به دوره اسکندر برمی‌گردد و نامشان حقیقتاً اسکندریه است و تنها یک پادگان نظامی معمولی در جوار شهر نبودند (Olbrycht, 2004a: 97-104). تأمین جمعیت این پادگان‌ها نیز یکی از موضوعاتی است که باید به آن توجه کرد. وجود جمعیت زیاد یونانی-مقدونی و مردمانی از آسیای صغیر و اطراف آن (همانند بازرگانان فینیقی) در پشت لشکر اسکندر (Tam, 2010: 10) و اسکان دادن مجروحان و برخی از نیروهای خود در اسکندریه‌های تازه تأسیس (Widemann, 2009: 39) این توان را به اسکندر می‌داد که بتواند با اطمینان خاطر جمعیت اولیه غیربومی را برای مکان‌های مورد نظر تأمین کند. با مرگ اسکندر کلونی‌سازی همچون دیگر دستاوردهای این سردار مقدونی دچار تزلزل شد، تخصیص نیافتن جمعیت‌های مهاجر جدید برای افزایش جمعیت و نوسازی بافت جمعیتی پیشین در کلونی‌ها در برابر جمعیت اکثریت بومی منطقه، از جمله مواردی بود که سبب زوال اسکندریه‌های اولیه شد (Briant, 1985: 62-65). درک صحیح این موضوع سبب شد تا در امپراتوری سلوکی برنامه دقیق‌تری برای ایجاد کلونی‌ها و تبدیل شهرها به پولیس و لزوم اجبار شهرهای آسیای صغیر

به تأمین جمعیت کلونی‌ها و پولیس‌های تازه تأسیس یا بازسازی شده صورت بگیرد (Koester, 1995: 44). البته محیط جغرافیایی نیز از عوامل تأثیرگذار بر تأسیس و ادامه حیات کلونی‌ها و پولیس‌های هلنیسی بوده است؛ به نحوی که ما شاهد تمرکز ساخت و ساز کلونی‌ها و پولیس‌ها در ساتراپی‌های فوقانی^۵ (Upper Satrapies) و اطراف رود فرات هستیم (Van der Spek, 1998: 206) و هرچه به سمت دجله و سرزمین‌های شرقی ایران می‌رویم تعداد کلونی‌ها و پولیس‌ها سیر نزولی پیدا می‌کند (Tarn, 2010: 9). به نحوی که شاهد شهرهای بزرگی همچون سلوکیه کنار دجله، سلوکیه کنار اولائس (Seleucia of the Eulaios) و شهرهای یونانی-مقدونی در باختر هستیم. علت کم شدن تعداد کلونی‌ها در مناطق بین‌النهرین و فلات ایران، حضور متراکم‌تر جمعیت‌های بومی از دوره‌های پیشین در این مناطق بود؛ درحالی‌که در مناطقی مانند سوریه و افغانستان امروزی، تراکم پایین تری از جمعیت را در خود جای داده بودند.

تفاوت پولیس‌ها با کلونی‌ها

شهرهای سلوکی به دو دسته تقسیم می‌شدند: نخست، شهرهایی که احیاء می‌شدند یا مهاجران یونانی-مقدونی به آنجا مهاجرت داده می‌شدند. دوم، شهرهایی که از دل برنامه شهرسازی سلوکیان بیرون آمده بودند و از ابتدا سنگ بنای آن‌ها توسط سلوکیان نهاده شد (Portier-young, 2011: 11-27). یکی از اهداف مهم سلوکیان در شهرسازی، ایجاد مشروعیت برای حکومتشان بود (Mueller, 2006: 1-3). از جمله منابع ما برای بررسی اطلاعات اقتصادی و وقایع تاریخی در ساتراپی‌های شرقی، منابع مکتوب و سکه‌های ضرب شده در این مناطق هستند. حضور «آنتیوخوس اول» در شرق ایران سبب انسجام بخشیدن بیشتر در ساخت و یا تبدیل شهرها به پولیس، مانند: انطاکیه در مرغانه (Antiochia in Margiana) و انطاکیه در ترمذ (Antiochia in Termoz) شد (Aperghis, 2004: 91). با دقت در نقشه و مکان‌های پولیس‌ها می‌توان یک موضوع را حدس زد؛ این که مکان قرارگیری پولیس‌ها بر سر راه‌های تجاری بوده است. بدین ترتیب پولیس‌هایی همچون: هکاتومپولیس (Hecatompylos)، سیرینکس در هیرکانه (Sirynx in Hyrcania) و ایامه-خورنه (Apamoia-Choareneh) در ساتراپی پارت در امتداد یکدیگر ساخت شده‌اند (Fraser, 1996: 170-190). این شیوه ساخت احتمالاً همان سیاست ایجاد دیوار دفاعی از پولیس‌ها و کلونی‌هایی بود که سلوکیان در شرق دنبال می‌کردند. سیاست ایجاد مجموعه شهرها (تتراپولیس) برای نظارت بر مناطق راهبردی مانند شهرسازی و کلونی‌سازی‌های سوریه از جمله سیاست‌های سیاسی-اقتصادی سلوکیان بود (Aperghis, 2004: 90). مابین این تتراپولیس‌ها، شبکه‌ای از کلونی‌ها برای حفظ ارتباطات وجود داشت (Martinez, 2004: 22-29). سیاست سلوکیان ساخت کلونی‌ها و پولیس‌ها در مناطق کم جمعیت و حاصل خیز بود. این موضوع را می‌توان با توجه به تمرکز این حکومت در شمال و غرب فرات دریافت (Van der Spek, 1998: 206). همچنین مناطقی که پس از فروپاشی امپراتوری آشور اهمیت خود را از دست داده بودند و دیگر بار مورد توجه قرار گرفتند (Tscherikover, 1973: 84-90)؛ با این حال، وجود مناطق مستعد کشاورزی، دسترسی به رودخانه و دریا، یکی دیگر از عوامل تأثیرگذار برای تأسیس پولیس‌ها بود (Leriche, 1987: 59-61). یکی از نیازهای اولیه پولیس‌ها زمین مناسب و وسیع برای بنا بود و این موضوع سبب می‌شد تا شاهان سلوکی دست به تأسیس پولیس‌ها در زمین‌های سلطنتی که متعلق به پادشاه بود، بزنند. سامانه یکپارچه زمین‌های سلطنتی، میراثی به جا مانده از هخامنشیان برای سلوکیان بود (Kreissig, 1978: 43-46). از دلایل دیگر ساخت پولیس‌ها، تضعیف شهرهای غیرهلنی بود و ایجاد پایگاه‌های وفادار به حکومت سلوکی و نظارت اقتصادی آن ناحیه بود؛ برای مثال، پولیس‌های جدید در ساتراپی سغد در برابر شهرهای غیرهلنی ایجاد شدند (Atakhodjaev, 2013: 213-246). سیاست‌های تشویقی

برای پولیس‌ها، سبب رشد جمعیت این شهرها می‌شد (Adams, 1981: 174)، با ایجاد این شهرها، شهرهای قدیمی به حاشیه رانده می‌شدند (Alcok, 1993: 163). تأمین جمعیت متخصص بومی برای پولیس‌های نوپنیا از شهرهای همجوار با دادن مشوق‌هایی انجام می‌گرفت (Invernizzi, 2004: 236). در واقع این پولیس‌ها بودند که نقشی مهمی در رونق شریان‌های اقتصادی بازی می‌کردند. می‌توان پولیس‌ها را لنگرگاه‌های دریایی از شن (صحرا) دانست که علاوه بر اهمیت راهبردی برای لشکرکشی‌های بعدی، توانایی حفظ امنیت راه‌ها را در مناطق راهبردی داشتند (Aperghis, 2004: 99). وجود راه‌های تجاری از هند، چین و مناطق داخلی ایران در دوره‌های بعدی (اشکانی) نشان از صحت این مدعا، یعنی مکان‌های راهبردی اقتصادی در میان پهنه شرقی امپراتوری است (Khlopin, 1977: 123-126). تجارت با مناطق دوردست نیازمند شبکه گسترده راه‌ها و پایگاه‌ها برای تبادل کالا و دادوستد بود (Strootman, 2011: 146). برای نمونه، تجارت ادویه و جواهرات از طریق راه‌های ارتباطی با هند در زمان سلوکیان رونق داشت (Kuhrt & Sherwin-white, 1993, 13).

با تسلط اشکانیان بر بخشی از پهنه شرقی آسیای مرکزی، شاهد تقابل‌هایی با جمعیت‌های یونانی-مقدونی در این نواحی هستیم. این کشمکش‌ها سرانجام موجب تضعیف کلونی‌ها و همچنین پولیس‌ها شد؛ هرچند پولیس‌ها به علت ساختار خاص سیاسی-اقتصادی خود توانستند برای چندین دهه به حیات خود ادامه دهند (حبیبی، ۱۳۷۵: ۶۸)، اما از اواخر قرن اول پیش از میلاد یک حرکت اصلاح‌گرایانه در شاهنشاهی اشکانی سبب شد تا آشکارا به مبارزه با فرهنگ هلنیستی بپردازند و با ضرب سکه به زبان آرامی (و بعدها پهلویگ) و در نهایت ساخت شهرهای شاهی و اسکان افراد در این شهرها (همانند تیسفون و بلاشگرد) درصدد تضعیف موقعیت پولیس‌ها باشند؛ در واقع، پولیس‌ها ادامه حیات خود را در دوره اشکانی و حتی تا حدود دوره ساسانی مدیون قرارگیری در طول شریان‌های اقتصادی و شاهراه‌های تجاری از جمله جاده خراسان (مسیر اصلی جاده ابریشم در ایران) بودند. البته با توجه به روحیه تسامح‌طلبی اشکانیان، پولیس‌ها فرصت حیات و رشد را در این دوره پیدا کردند، فرصتی که در زمان ساسانیان برای پولیس‌ها فراهم نشد و برخورد سخت شاهان ساسانی با پولیس‌ها منجر به زوال این شهرها مانند شهر شوش در طول حکومت ساسانیان شد (Harper et al., 1992: 162).

سیاست اقتصادی در تأسیس کلونی‌ها

همان‌طور که پیش‌تر نیز گفته شد، ساکنان کلونی‌ها را باید گونه‌ای خاصی از مهاجران دانست و می‌بایست به آنان نام «سرباز-شهروند» را داد. با در نظر گرفتن مفهوم سیاسی-نظامی سرباز برای حفظ بقای حکومت، باید در نظر داشت که مفهوم شهروند در این نام در سایه سرباز قرار داد^۷. همین‌طور لازم به یادآوری است که ابتدا این مهاجران سرباز-شهروند برای مقاصد نظامی و سپس مقاصد سیاسی-اقتصادی مهاجرت داده می‌شدند (Schiffman & Scharfstein, 1991: 184-185). مفهوم اقتصادی واژه شهروند در کلونی‌ها، همان مفهوم تیول‌داری و سیاست واگذاری اقطاع زمین به این افراد برای ایجاد دلبستگی، حس مالکیت و به تدریج بومی‌سازی این افراد در سرزمین‌های جدید بوده است (Koester, 1995: 72). مفهومی که نشان از شکل‌گیری مفاهیم جدید اقتصادی در اقتصاد سلوکی داشت، به نحوی که شاه برای جلب حمایت از طریق پایگاه‌های مردمی دست به بخشش وسیع زمین‌های شاهی به مهاجران زده و حتی در برخی از موارد معافیت‌های مالیاتی چندساله را برای ترغیب بیشتر مهاجران اعمال کرده بود (Menl, 1991: 104).

«کاتویکوی»^۸ (Katoikoi) و کلونی‌ها در امتداد مسیرهای تجاری برای حفظ امنیت راه‌ها تأسیس می‌شدند (Capdetry, 2007: 160-161). سلوکیان برای رونق تجاری پولیس‌ها و کلونی‌های نوپنیا

بخشش‌های مالیاتی را اعمال می‌کردند (Polybius, V, 89, 8-9). اغلب این کلونی‌ها به شکل قلعه یا شهرک‌های نظامی کوچک بودند که در جهت سیاست اسکان مهاجران یونانی-مقدونی برای افزایش جمعیت وفادار به دستگاه سلوکی ساخته شدند (Rougemont, 2012: 14-20). سیاست کلونی‌سازی برای امنیت راه‌ها حتی در مناطق داخلی نیز مانند ساتراپی ماد اعمال می‌شده است (Polybius, X, 27, 3). توجه ویژه سلوکیان به جاده‌های ارتباطی شرق به غرب منجر به ساخت کلونی‌ها و پولیس‌ها در طول این مسیرها به خصوص ناحیه اکباتان تا بابل همچون لائودوسیة در ماد (Laodicea in Media) شد (Kosmin, 2014: 191). سلوکیان کلونی‌سازی و پولیس‌سازی را نه فقط در ماد، بلکه در مسیر جاده خراسان (Pasha Zanous & Yang, 2018: 131)، مانند سیرینکس در هیرکانه (Sirynx in Hyrcania) نیز پی گرفتند (Kosmin, 2014: 191). درحقیقت تعداد زیادی از این کلونی‌ها در طول جاده خراسان که سلوکیه ساحل دجله را به بلخ متصل می‌ساخت و از ماد و اکباتان می‌گذشت، بنا کردند (خاراکسی، ۱۳۹۲: ۳۷-۲۹). جاده خراسان از شهرهای مهم دیگری همچون انطاکیه در مرو (Cohen, 2013: 245-20) و ری یا همان اروپوس (Europos) دوره سلوکی (Cohen, 2013, 209) می‌گذشت و در نهایت با عبور از لائودوسیة در ماد (Laodicea in Media) (Cohen, 2013: 220) به سلوکیه کنار دجله (Seleucia on Tigris) می‌رسید.

وضعیت جغرافیایی منطقه، یکی از مهم‌ترین دلایل ساخت کلونی‌ها بود. برای ساخت کلونی باید یکی از سه ویژگی پیش‌رو در منطقه وجود می‌داشت: نخست این‌که، منطقه به لحاظ نظامی برای نظارت گذرگاه‌ها و مناطق همجوار جهت جلوگیری از شورش‌های احتمالی می‌بایست حائز اهمیت راهبردی باشد (Sherwin-white & Kuhurt, 1993: 54). قراردادش در مسیر تجاری دلیل دوم ساخت کلونی‌ها بود (Bernard, 1980: 309-311). در نهایت آن‌که، محل ساخت کلونی می‌بایست محیط مساعدی برای کشاورزی داشته باشد (Leriche, 1987: 59-61). ساخت کلونی‌ها برای حیات و تغذیه پولیس‌ها اهمیت داشت؛ زیرا از طریق کلونی‌ها، پولیس‌ها می‌توانستند نیازشان را برآورده کنند (Gardin & Lyonet, 1978: 147-148). با توجه به مساعد بودن برخی مناطق در ایران، ساخت کلونی در آن مناطق همچون کاتالیزوری^۴ برای اقتصاد منطقه مورد نظر عمل می‌کرد (Jahne, 1978: 41-47). موقعیت جغرافیایی ایران و عبور راه‌های تجاری از شرق به غرب از درون فلات ایران (Planhol, 2003: 605) باعث شده بود تا این کلونی‌ها در مناطق نزدیک راه‌های تجاری شکل بگیرند. سلوکیان شکاف میان پولیس‌ها را با زنجیره‌ای از کلونی‌ها پر می‌کردند تا بتوانند ساختار یکپارچه سیاسی و اقتصادی خود را در سرزمین‌های تحت تسلط خود حفظ نمایند (Aperghis, 2004: 95).

دلایل کلونی‌سازی در شرق ایران باستان

«سلوکوس» در نبردهای خود در شرق و آسیای مرکزی موفق به فتح: هیرکانه، پارت، باختر، سغد و آرخوزیا شد (Justinian 15.4.10, Appian. syr. 55)؛ فتح چنین سرزمین گسترده‌ای نشان می‌دهد که سلوکوس اول در اکثر مناطق با رقیب سرسختی مواجه نشد و تنها در مرزهای باختر با حمله اقوام صحراگرد مواجه شد (Bopearachch & Flandrin, 2005: 195-201). تسخیر سریع نواحی شمال شرقی ایران شاید نتیجه مذاکرات و روش‌های دیپلماتیک باشد (Sherwin-white & Kuhurt, 1993: 12). برای مقابله با فشارهای وارده توسط اقوام صحراگرد حکومت سلوکی به شهرسازی روی آورد؛ هرچند ممکن است علاوه بر بُعد سیاسی، حکومت سلوکی در کلونی‌سازی‌های اولیه در آسیای مرکزی نگاهی اقتصادی هم داشته است (Behrend, 1973: 89). شاهان اولیه سلوکی با تغییر نام «اسکندریه‌ها» به «سلوکیه» و «انطاکیه» و تجدید حیات برخی شهرها، سعی در اثبات این امر داشتند که عصر جدیدی آغاز شده است (Sherwin-white & Kuhurt, 1993: 23).

اما پیش‌روی سلوکوس به سمت جنوب شرق با سد محکمی به نام «چاندراگوپتا» مواجه شد؛ پس از عقد پیمان صلح میان سلوکوس اول و چاندراگوپتا هیچ کلونی در هند ایجاد نشد (Errington, 1976, 163-164).

آسیای مرکزی به‌عنوان چهارراه تجاری شرق به غرب در دوره سلوکی از اهمیت بسیار برخوردار بود (Fery, 1984: 18). پیش از دوره اشکانیان، تماس فرهنگ‌های ایران و چین بیشتر از طریق فرهنگ‌های بیابانگرد آسیای مرکزی شکل گرفته بود. فرهنگ‌های بیابانگرد آسیای میانه، همچون سکاها و دیگر فرهنگ‌های ایرانی و بومی آسیای میانه، همواره نقش یک واسطه برای تبادلات فرهنگ‌های چین و فرهنگ‌های فلات ایران را ایفا می‌کردند (بادامچی و پاشازانوس، ۱۳۹۳: ۸). مسیرهای ارتباطی شناخته‌شده‌ای که دو سوی آسیا را به هم متصل می‌کنند، هنوز در مراحل ابتدایی شکل‌گیری قرار داشتند (Stark & Rubinson, 2012: 111). در این مسیرهای تجاری، کالاهای ارزشمند و فلزات گران‌بها مبادله می‌شدند؛ برای نمونه، لباس‌ها و پارچه‌های ابریشمی، آینه چینی و برخی ابزارآلات ساخت چین به آسیای غربی صادر می‌شدند (Yang, 2013: 74-76). همان‌طور که اشاره شد، حملات اسکندر ابتدا در تجارت شرق و غرب آسیا وقفه ایجاد کرد (Azarpay, 1954: 328)، اما در ادامه با شکل‌گیری فرهنگ هلنیستی، زمینه برای تماس فرهنگ‌های ایران و چین بیشتر مهیا شد؛ برای نمونه، هم‌زمان با روی کار آمدن اشکانیان به‌استناد گفته «استرابون»، حکمران یونانی باختر، «اوتیدموس» و پسرش «دمتریوس» در قرن دوم پیش از میلاد امپراتوری خود را حتی تا سیریس (شمال غربی چین) گسترش دادند (بادامچی و پاشازانوس، ۱۳۹۳: ۲۱). در آن زمان، ناحیه سیریس توسط مردمان غربی به‌عنوان ناحیه تولید ابریشم شناخته می‌شد و به تمام سرزمین امپراتوری «هان» اطلاق نمی‌شد؛ با این حال بعضی از دانشمندان مانند «ای.ک. ناراین و ای. کونیگهام» معتقدند که ناحیه سیریس، یعنی کاشغر، در شین‌جیانگ چین است (Yang, 2007: 103). هم‌زمان با گسترش پادشاهی یونانی-باختر در شمال شرقی ایران، نظارت بر مسیرهای تجاری آسیای مرکزی و فلات ایران که به تدریج به دلیل انتقال کالاهای تجاری و ابریشم اهمیت بسیار یافتند، تبدیل به یکی از اصلی‌ترین دغدغه‌های اقتصادی سلوکیان و بعدها اشکانیان شد (Salles, 1987: 90).

دو مسیر اصلی تجارت در دوره سلوکی وجود داشت: مسیر نخستین، از هند باستان شروع می‌شد؛ و دومین، از باختر و آسیای میانه عبور می‌کرد (بعدها این مسیر، یکی از مسیرهای اصلی جاده ابریشم نام می‌گیرد). این دو مسیر در «آرتاکوانا» (Artakouna) در «آریا» (هرات کنونی) به هم می‌پیوستند و با عبور از شمال دشت کویر به رشته‌کوه‌های زاگرس و سرانجام به سلوکیه کنار دجله می‌رسید. مسیر دیگری نیز وجود داشت که تردد در آن دشوارتر بود، پس از طی مسیر در «آرخوزیا»، «درنیگا» و «کارمانیا» به «پارس» و «شوش» می‌رسید که به سلوکیه کنار دجله ختم می‌شد (Le Rider, 1965: 306). آنتیوخوس اول در دوره حکومتش در شرق (نائب‌السلطنه بودنش) در باختر ساکن بود.^{۱۰} وی در مناطق شرقی هم‌جوار با دریای مازندران دست به تأسیس دو ایالت جدید سلوکی به نام‌های «سلوکیس» (Seleucis) و «آنتیوکیس» (Antiochis) زد (ولسکی، ۱۳۸۶: ۳۷). به‌نقل از استرابو، آنتیوخوس اول دیواری به طول ۲۷۰ کیلومتری برای محافظت از ساتراپی‌های شرقی ایجاد نمود (Strabon, 11.10.2) و احتمالاً یک اسکندریه (انطاکیه؟) در ساتراپی مرو برای کارهای دفاعی ساخته شد (Hermann et al., 1993: 41).

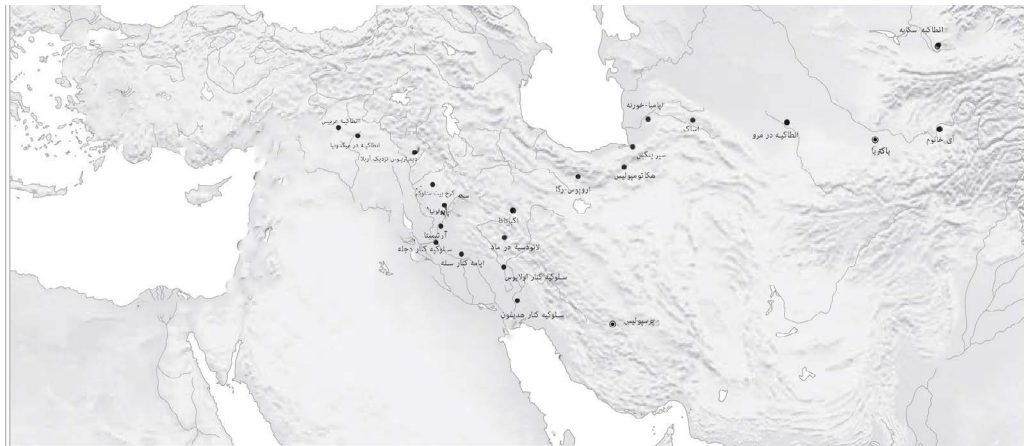
حراست از حدود و ثغور امپراتوری سلوکی، شاهان این خاندان را واداشت تا مشوق‌های اقتصادی برای کلونی‌های مرزی را به‌عنوان سیاست همیشگی خود در نظر بگیرند (Adams, 1965: 63)؛ هرچند کلونی‌ها در مرزهای شرقی امپراتوری سلوکی حیاتی ماندگار نداشتند، اما در دوره اوج این سلسله شاهد بنیان‌گذاری و تجدیدبنای شهرها و کلونی‌های بسیاری هستیم (Sherwin-white &)

Kuhurt, 1993: 23) که در دوره‌های بعدی نقش مهمی در حیات سیاسی و اجتماعی شرق باستان ایفا کردند. با آغاز کلونی‌سازی در مناطق شرقی از جمله باختر شاهد کاهش جمعیت شهرهای غیرهلنی و به تناسب آن افزایش جمعیت پولیس‌ها هستیم (Gardin, 1998, 162). انتقال مرکز ثقل حکومت سلوکی به سوریه و اهمیت یافتن انطاکیه، سبب کم‌توجهی به مناطق و کلونی‌های شرق ایران و در نتیجه شورش‌های باختر و هیرکانه شد؛ هرچند این نکته را باید به یاد داشت که در زمان اسکندر مقدونی نیز این مناطق علیه وی شورش‌هایی به پا کردند (Arrian 4.4. 1-9).

متون تاریخی زمان اسکندر نیز گزارش‌هایی دربارهٔ برخورد اسکندر با اقوام صحراگرد در این مناطق می‌دهند، که خود تأییدی بر این مدعا و گویای نفوذ اندک اسکندر و جانشینانش در شرق ایران است؛ از این رو، با وجود پایگاه قدرتمند یونانی-مقدونی در این مناطق، نبود نظارت کافی از سوی حکومت‌های مرکزی و درنهایت حضور اقوام صحراگرد در این مناطق، سبب تجزیهٔ این بخش از امپراتوری سلوکی شد. عدم توجه کافی، شورش‌های پی‌درپی و اعلام خود مختاری توسط ساتراپی‌ها سبب شد تا سیاست کلونی‌سازی در مناطق شرقی پس از دورهٔ اولیه سلوکی رو به کاهش باشد و درنهایت با قطع ارتباط حکومت سلوکی با این مناطق، سیاست اسکان مهاجران از نواحی آسیای صغیر به نواحی شرقی ایران سلوکی همچون: باختر، سغد و آریا متوقف شود؛ در واقع سیاست کلونی‌سازی در مناطق مرزی (و نبود یا کم بودن کلونی‌ها در درون مرزهای کشور) و دادن مشوق‌های اقتصادی گویای این حقیقت است که ابزار حفظ حدود و ثغور در دست شاهان سلوکی همان ساخت و تقویت کلونی‌ها بوده است.

نتیجه‌گیری

امپراتوران سلوکی در طول حیات خود با مشکلات زیادی روبه‌رو بوده‌اند؛ از جمله این مشکلات ناهمگون بودن اقوام در گسترهٔ وسیعی جغرافیایی حکومتشان بود. بخش مهمی از اعتراضات و شورش نسبت به این سلسلهٔ غیرایرانی، بومی نبودن این افراد بود؛ هرچند سلوکوس اول با انتخاب آنتیوخوس اول که مادری ایرانی تبار داشت به‌عنوان جانشین خود، سعی در از بین بردن این موضع اقوام ایرانی نسبت به خود را داشت، اما همان‌طور که شاهد بودیم، توفیق چندانی نیافت. امپراتوران سلوکی راه‌کار برون‌رفت از این وضع را ایجاد پایگاه‌های مردمی در درون سرزمین‌های خود یافتند. ایشان با ایجاد کلونی‌ها و مهاجرت دادن جمعیت یونانی-مقدونی به این محل‌ها در سراسر سرزمین‌های خود اولین گام را برای زمینه‌سازی مشروعیت‌سازی خود انجام دادند. سلوکیان با فهم درستی که از جایگاه کلونی‌ها از منظر جغرافیای سیاسی و ژئواکونومیک (Geoeconomics) در سرزمین‌های تحت نظارت آنان ایجاد می‌کردند بر آن شدند تا با تقویت و گسترش برخی از این کلونی‌ها، پایگاه‌های قدرتمندتری برای خود در مناطق تحت نظارتشان ایجاد کنند؛ هرچند این سیاست در برخی نقاط همچون آسیای مرکزی، اندکی پس‌رو به ضعف گذاشتن حکومت سلوکیان با اعلام استقلال پولیس‌های آسیای مرکزی از امپراتوری سلوکیان همراه بود؛ با این حال در مناطقی، سلوکیان نظارت بهتری بر روی آن مناطق داشتند کلونی‌ها و پولیس همچنان زیر یوغ ایشان باقی‌ماند. هرچند با اضمحلال حکومت سلوکیان در ایران، کم‌کم بساط کلونی‌ها برچیده شد و یا تبدیل به یک شهر کوچک شدند، اما تا سال‌ها پولیس‌های هلنیستی در حیات سیاسی ایران نقش کلیدی را بازی می‌کردند؛ بدین ترتیب می‌توان نقش غیرقابل انکار سیاست کلونی‌سازی را در فراز و فرودهای حکومت سلوکی دخیل دانست و به این نتیجه رسید که با کاسته شدن از اهمیت و اعتبار کلونی بود که حکومت سلوکی پایگاه راهبردی خود را از دست داد و ضرب‌آهنگ به پایان رسیدن عمر این سلسله شدت بیشتری یافت.



نقشه ۱. پولیس‌ها و کلونی‌های موجود بر جاده خراسان بزرگ و برخی شهرها و پولیس‌های مهم آن دوران (نگارندگان، ۱۳۹۸).

پی‌نوشت

- ۱- «کلونی»، قلعه‌ها یا روستاهای کوچکی بودند که در دوره هلنیستی ساخته می‌شدند.
- ۲- در طی لشکرکشی اسکندر پس از ایجاد اسکندریه‌ها در شرق ایران، در برخی از این اسکندریه‌ها بازی‌های ورزشی خاصی به سبک یونانی‌ها برگزار می‌شد. (برای اطلاع بیشتر ر. ک. به: Diodor Sicily, 17, 109, 1 و Diodor Sicily, 17, 110, 7).
- ۳- طرح هیپوداموس، از شبکه درهم فشرده خیابان‌هایی تشکیل می‌شود که یکدیگر را با زوایای قائمه قطع می‌کنند، بی آن‌که بر محوری خاص به نشانه الگوی مسلط ترافیک در آن‌ها تأکیدی شده باشد (Glaeser, 2011: 19).
- ۴- در منابع نیز از شهرسازی سلوکوس یاد شده است (Appian. Syr, 53; Amm. Marc, 14.8.6).
- ۵- ساتراپی‌های فوقانی، شامل ساتراپی‌های شرقی و شمالی ایران در دوره هلنیستی هستند. این ساتراپی‌ها از لبه غربی رشته‌کوه زاگرس تا شمال آسیای مرکزی امتداد پیدا می‌کردند که شامل: ماد، پرسیس، کرمانیا، درنگیا، هیرکانه، پارت، مرو و... می‌شدند (Aperghis, 2004: 40).
- ۶- در این مقاله، واژه «شهر» برای شهرهای غیرهلنی (شهرهایی که به دست اسکندر یا سلوکیان بنا یا بازسازی نشده باشند) به کار رفته است؛ در حالی که واژه «پولیس»، به شهر یا مجموعه شهرهایی گفته شده است که دارای بناهای اداری، مذهبی و آکروپولیس هلنی بودند و به تدریج از سال ۷۵۰ پ. م. در یونان پدید آمدند (Caves, 2005: 520).
- ۷- مقصود از «شهروند» در این مقاله، همان مهاجرانی است که به سوی فلات ایران مهاجرت داده شدن تا نقش جمعیت حامی و پشتیبان برای حکومت را ایفا کنند؛ بدین ترتیب علاوه بر این‌که مانند یک فرد عادی به زندگی در کلونی‌ها یا پولیس‌ها می‌پرداختند، در صورت درخواست سلوکی می‌بایست به ارتش سلوکیان ملحق می‌شدند.
- ۸- «کاتوبیکوی» در لغت به معنای «ساکنان» است و به قلعه‌های نظامی دوره هلنیستی در آسیای صغیر اطلاق می‌شد (Cohen, 1991: 44-47).
- ۹- «کاتالیزور» ماده شیمیایی است که باعث تسریع در انجام واکنش‌های شیمیایی می‌شود.
- ۱۰- شاید یکی از دلایل انتصاب آنتیوخوس اول به سمت نائب السلطنه، مادر ایرانی‌اش «اپامه» بود تا با این انتخاب وفاداری اقوام شرقی به حکومت سلوکی بیشتر شود (Canepa, 2015: 72-76).

کتابنامه

- بادامچی، حسین؛ و پاشازانوس، حمیدرضا، (۱۳۹۳). «بازگشایی جاده ابریشم: تماس و برهم‌کنش فرهنگ‌های ایران و چین همزمان با سفرهای جانگ چیان به مرزهای شرقی شاهنشاهی اشکانی». تاریخ اسلام و ایران، سال ۲۴، دوره جدید، شماره ۲۲، پی‌اچ‌اچ: ۱۱۲. صص: ۲۸-۵.
- پیگولوسکایا، نینا، (۱۳۸۸). شهرهای ایران در روزگار پارتیان و ساسانیان. ترجمه عنایت‌الله رضا، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ دوم.
- حبیبی، سیدمحسن، (۱۳۷۵). از شار تا شهر. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- خاراکیسی، ایسیدور، (۱۳۹۲). منزلگاه‌های اشکانی. ترجمه و محقق: علی اصغر میرزایی، تهران: نشر ماهی.
- ولسکی، یوزف، (۱۳۸۶). شاهنشاهی اشکانی. ترجمه مرتضی ثاقب‌فر، تهران: ققنوس.

- Adams, R. McC., (1965). *Land behind Baghdad. A History of Settlement in the Diyala Plains*, Chicago and London.
- Alcock, S. E., (1993). "Surveying the peripheries of the Hellenistic world". In: Bilde et al (eds). Pp: 162-75.
- Ammianus, M., (1950). *History*. Volume I: Books 14-19, Translated by J. C. Rolfe. Loeb Classical Library 300, Cambridge, MA: Harvard University Press.
- Aperghis, G. G., (2004). *The Seleukid royal economy: the finances and financial administration of the Seleukid Empire*. Cambridge University Press.
- Appian., (2009). *Roman History*. Volume III, Edited and translated by Brian McGing, Loeb Classical Library 4. Cambridge, MA: Harvard University Press.
- Arrian, (1983). *Anabasis of Alexander*. 2 vols., tr. by P. A. Brunt, Loeb Classical Library, Cambridge: Harvard University Press.
- Atakhodjaev, A. K., (2013). "Données numismatiques pour l'histoire politique de la Sogdiane (IVE-IIe siècles avant notre ère)". *Revue numismatique*, No. 6(170). Pp: 213-246.
- Azarpay, G., (1959). "Some classical and near eastern motifs in the art of Pazyryk". *Artibus Asiae*, No. 22(4). Pp: 313-339.
- Behrend, D., (1973). "Rechtshistorische Betrachtungen zu den Pacht dokumenten aus Mylasa und Olymos". *Akten des VI. Internationalen Kongresses für Griechische und Lateinische Epigraphik München*, Pp: 145-68.
- Bernard, P., (1980). "Héraclès, les grottes de Karafto et le sanctuaire du mont Sambulos en Iran". *Stir*, No. 9, Pp: 301-324.
- Boehm, R., (2018). *City and Empire in the Age of the Successors: Urbanization and Social Response in the Making of the Hellenistic Kingdoms*. University of California Press.
- Bopearachchi, O., & Flandrin, P., (2005). *Le portrait d'Alexandre le Grand: histoire d'une découverte pour l'humanité*. Monaco: Editions du Rocher.
- Briant, P., (1978). "Colonisation hellénistique et populations indigènes". *Klio*, No. 60(60), Pp: 57-92.
- Briant, P., (1985). "Dons de terres et de villes: L'Asie Mineure dans le contexte achéménide". *Revue des études anciennes*, No. 87(1), Pp: 53-72.
- Briant, P., (2002). *From Cyrus to Alexander: a history of the Persian Empire*. Penn State University Press: Eisenbrauns.
- Caves, R. W. (Ed.), (2005). *Encyclopedia of the City*. London and New York: Taylor & Francis Group.
- Capdetry, L., (2007). *Le pouvoir séleucide. Territoire, administration, finances d'un royaume hellénistique (312-129 avant J.-C.)*. Rennes: Presses Universitaires de Rennes.
- Cohen, G. M., (2013). *The Hellenistic settlements in the East from Armenia and Mesopotamia to Bactria and India* (Vol. 54). Berkeley: University of California Press.
- Diodor Sicily Siculus., (1953). *Library of History*. Volume VIII, Books 16.66-17, translated by C.B. Welles, Cambridge: Harvard University Press.
- Engels, D., (2017). *Benefactors, Kings, Rulers: studies on the Seleukid Empire between East and West*. Leuven: Peeters.
- Errington, R. M., (1976). "Alexander in the Hellenistic world", In: E. Badian (éd.). *Alexander le Grand. Image et réalité*, Geneva: Fondation Hardt, Pp: 137-179.

- Fraser, P. M., (1996). *Cities of Alexander the Great*. Clarendon Press.
- Fleischer, R., (1991). *Studien zur seleukidischen Kunst: Herrscherbildnisse* (Vol. 1). P. von Zabern, 2-16
- Fraser, P. M., (1996). *Cities of Alexander the Great*. Clarendon Press.
- Gardin, J. C., (1998). *Prospection archéologiques en Bactriane orientale* (1974-1978). Vol. 3. Description des sites et notes de synthèse. Mémoires de la mission archéologique française en Asie centrale, Part IX. Paris: Ministère des Affaires étrangères.
- Gray, B., (2018). "Freedom, ethical choice and the Hellenistic polis". *History of European Ideas*, No. 44(6), Pp: 719-742.
- Glaeser, E., (2011). *Triumph of the City: How Our Best Invention Makes Us Richer, Smarter, Greener, Healthier, and Happier*. New York: Penguin Press.
- Harper, P. O.; J. Aruz, & F. Tallon, (Eds.), (1992). *The Royal City of Susa: Ancient Near Eastern Treasures in the Louvre*. New York: Metropolitan museum of art.
- Herrmann, G.; Masson, V. M. & Kurbansakhatov, K., (1993). "The International Merv Project Preliminary Report on the First Season (1992)". *Iran*, No. 31(1), Pp: 39-62.
- Invernizzi, A., (1993). "Seleucia on the Tigris: centre and periphery in Seleucid Asia". *Centre and Periphery in the Hellenistic World*, No. 4, Pp: 230-247.
- JÄHNE, A., (1978). "Zwei Tendenzen gesellschaftlicher Entwicklung im Hellenismus". *Klio*, No. 60(60). Pp: 137-150.
- Justinin, (1994). *Epitome of the Philippic History of Pompeius Trogus*. Translated by: J. C. Yardley, Oxford: Society for Classical Studies Classical Resources.
- Khlopin, I., (1977). "Die Reiseroute Isidors von Charax und die oberen Satrapien Parthiens". *Iranica Antiqua*, No. 12, Pp: 117-165.
- Koester, H., (1995). *Introduction to the New Testament*. Vol. 1, New York & Berlin: Walter de Gruyter.
- Kosmin, P. J., (2014). *The Land of the Elephant Kings*. Cambridge: Harvard University Press.
- Kreissig, H., (1978). *Wirtschaft und Gesellschaft im Seleukidenreich: die Eigentums- und die Abhängigkeitsverhältnisse*. Berlin: Akademie-Verlag.
- Le Rider, G., (1965). *Suse sous les Séleucides et les Parthes*. Paris: Librairie Orientaliste.
- Leriche, P., (1987). "Urbanisme defensif et occupation du territoire en Syrie hellénistique". In: *Frezouls*, Pp: 57-79.
- Marfoe, L., (1978). *Between Qadesh and Kumidi: a history of frontier settlement and land use in the Bija'*. Lebanon, University of Chicago: Regenstein Library, Department of Photoduplication.
- Mehl, A., (1991). "The Seleucid cities in Syria: Development, Population, Constitution". *International meeting of History and Archaeology, Delphi 6-9 November 1986*, Athens: European cultural centre of Delphi, Pp: 99-112.
- Mueller, K., (2006). *Settlements of the Ptolemies: city foundations and new settlement in the Hellenistic world* (Vol. 43). Peeters Publishers.
- Olbrycht, M. J., (2004). *Aleksander Wielki i świat irański*. Rzeszów: Wydawnictwo Uniwersytetu Rzeszowskiego.
- Pasha Zanous, H. R. & J. Yang, (2018). "Arsacid Cities in the Hanshu and Houhans". *Iran and the Caucasus*, Vol. 22, Pp: 123-138.

- Polybius, (1823). *The General History*. Trans. by: J. Hampton, 2, Vols., 5th ed, Oxford, Llc.
- Planhol, X. D., (2003). "Hamadān iii. Historical Geography". *EIr*, No. XI, Pp: 605-7.
- Portier-Young, A., (2011). *Apocalypse Against Empire: Theologies of Resistance in Early Judaism*. Cambridge: William B. Eerdmans Publishing.
- Potts, D. T., (2016). *The Archaeology of Elam: formation and transformation of an ancient Iranian state*. New York: Cambridge University Press.
- Rougemont, G., (2012). *Inscriptions grecques d'Iran et d'Asie centrale* (= Corpus Inscriptionum Iranicarum: Part II. Inscriptions of the Seleucid and Parthian periods and of Eastern Iran and Central Asia, vol. I. Inscriptions in Non-Iranian languages). London: SOAS.
- Salles, J. F., (1987). "The Arab-Persian Gulf under the Seleucids". *Hellenism in the East*, Pp: 75-109.
- Schiffman, L. H., & Scharfstein, S. (1991). *From text to tradition: A history of second temple and Rabbinic Judaism*, Hoboken. NJ: KTAV Publishing House.
- Sherwin-White, S. & Kuhrt A., (1993). *From Samarkhand to Sardis; A new approach to the Seleucid Empire*. London: Duckworth.
- Smith, R. R., (1988). *Hellenistic royal portraits*. Oxford: Clarendon Press.
- Stark, S., & K. Rubinson, (2012). "Nomads and networks: elites and their connections to the outside world". *Nomads and networks: the ancient art and culture of Kazakhstan*, Pp: 107-38.
- Strabo, (1932). *The Geography of Strabo*. 8 Vols., Translated by: Jones, John Robert Sitlington Sterrett, Loeb Classical Library, Cambridge: Harvard University Press.
- Martinez Sève, L., (2004), "Peuple d'Antioche et dynastie séleucide", *Topoi*, Vol. 5, No. 1, Pp: 21-41.
- Strootman, R., (2011). "Kings and cities in the Hellenistic Age". *Political Culture in the Greek City After the Classical Age*, Leuven: Peeters, Pp: 141-153.
- Tarn, W. W., (2010). *The Greeks in Bactria and India*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Tschirikover, A., (1973). *Die hellenistischen Städtegründungen von Alexander dem Grossen bis auf die Römerzeit*. Vol. 19, Dieterich'sche verlagsbuchhandlung.
- Tuplin, C., (1987). "The Administration of the Achaemenid Empire". In: Carradice, (ed.). *Coinage and Administration in the Athenian and Persian Empires, The Ninth Oxford Symposium on Coinage and Monetary History*, Oxford (BAR Int. Ser. 343). Pp: 109-66.
- Van der Spek, R. J., (1998). "Cuneiform documents on Parthian history: The Rahimesu archive-Materials for the study of the standard of living". In: J. Wiesehöfer ed., *Das Partherreich und seine Zeugnisse / The Arsacid Empire: Sources and Documentation* (Stuttgart). Pp: 205-258.
- Widemann, F., (2009). *Les successeurs d'Alexandre en Asie centrale et leur héritage culturel*. Essai, Paris: Riveneuve éditions.
- Yang, J., (2007). "The Conquests of Alexander the Great and the Opening of the Silk Road". *Proceedings of Japan-Korea-China the Symposium*, Japan: Meiji University. Pp: 97-112.
- Yang, J., (2013). "Hellenistic World and the Silk Road". *Anabasis: Studia Classica et Orientalia*, No. 4, Pp: 73-91.